

مؤلف: دونالد هاوولی. ترجمه: حسن زنگنه. ناشر: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه (قم). نوبت چاپ: اول، ۱۳۷۷. تیراژ: ۱۰۰۰. قیمت: ۹۵۰۰ ریال.

کتاب علاوه بر مقدمه مترجم و پیشگفتار مؤلف در یازده فصل به انضمام اعلام پایانی - که توسط مترجم اضافه شده - در ۳۷۵ صفحه منتشر شده است.

خلیج فارس از روزگار کهن همواره مورد توجه ساکنان حواشی آن و نقاط دیگر بوده است. مراودات بازرگانی در آن رونق داشته و لشکرکشیهای فراوان جهت تسخیر و تسلط بر آن صورت گرفته است. که رد آن را می توان از کتیبه های سومری، ایلامی، آشوری و ... تا مراکز اسناد دول قدرتمند عصر استعمار اروپایی دنبال کرد. هرچند زوایایی از تاریخ آن هنوز در حاله ای از ابهام قرار دارد ولی عموماً توجه نویسندگان، جهانگردان و سوداگران اقتصادی را به خود جلب کرده است. درباره ابعاد گوناگون آن آثار ارزشمندی به جا مانده که کتاب حاضر نیز در زمره آن قرار دارد.

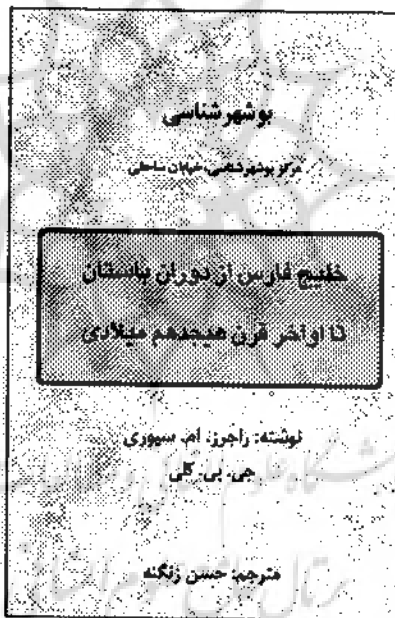
مترجم محترم کتاب آقای حسن زنگنه برای مردم استان بوشهر و علاقمندان به مطالعات خلیج فارس نامی آشناست چه قبلاً با ترجمه های ارزشمندی او به مناسبت کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیسعلی دلواری (بوشهر ۲۲ - ۲۰ فروردین ۱۳۷۳) آشنا هستیم و اکنون ترجمه ارزنده دیگری از او را پیش رو داریم. که به لحاظ موقعیت شغلی نویسنده و آشنایی نزدیک با منطقه و نیز تحلیلی مو شکافانه از اوضاع جغرافیایی، تاریخی و سیاسی آن درخور توجه و استفاده بسیار است.

درباره انگیزه ترجمه کتاب، مترجم در مقدمه آغازین آن چنین می نگارد «در پاییز ۱۳۷۰ ه. ش) آقای احمد اقتداری] مسافرتی به بوشهر نمودند و متن انگلیسی کتاب حاضر نوشته دونالد هاوولی را که اینک ترجمه آن تحت عنوان «دریای پارس و سرزمینهای متصل» تقدیم خوانندگان عزیز می گردد و به اینجانب مرحمت کرده، فرمودند: این کتاب حاوی مطالب بکر و ارزنده ای درباره رویدادهای خلیج فارس از هزاره سوم پیش از میلاد تا دوران معاصر می باشد و من [آقای اقتداری به اتفاق استاد ایرج افشار یزدی و زنده یاد مجتبی مینوی از کتابفروشی لوزاک در لندن که ناشر اینگونه کتب است، تهیه کرده و قرار بود مرحوم استاد مجتبی مینوی آن را به فارسی برگرداند اما متأسفانه به دلیل اینکه ایشان چراغ عمرشان به خاموشی گرایید، ترجمه این کتاب نیز به فراموشی سپرده شد که «تقدیرهای آسمانی کند تدبیرهای مرد، باطل» به هر حال تقدیر چنان بود که این وظیفه سنگین و انجام این مهم به این ناتوان سپرده شود...»

همچنین درباره نویسنده کتاب در مقدمه مترجم آمده است «آقای هاوولی چون خود سالها عضو سرویس سیاسی بریتانیا بوده و مدت سه سال نیز به عنوان نماینده سیاسی در کشورهای متصل (امارات متحده

معرفی دو کتاب درباره خلیج فارس

خلیج فارس برگستره تاریخ



غلامحسین نظامی

عربی کنونی) خدمت کرده و به ارضیو و مدارک زیادی دسترسی داشته، توانسته است این اثر را بگونه ای دقیق و علمی و مطابق با اصول آکادمیک تاریخنگاری به رشته تحریر دریاورد.

کتاب تاریخ سرزمینهای سواحل متصل (THE TUECTAL STATES) را از دوران باستان تا اواسط قرن بیستم در بر می گیرد. در پیشگفتار نویسنده، جغرافیای تاریخی، ترکیب نژادی، اوضاع جغرافیایی،

نقش قبایل جواسم، وهابی ها و حضور انگلستان و دیپلماسی آن کشور را در منطقه از سال ۱۸۲۰ میلادی تا ۱۹۶۰ به طور فشرده بیان می کند که همه آنها به طور مبسوط در فصول یکم تا نهم آمده است.

در مقدمه مترجم آمده است «سواحل متصل (شبه جزیره مسندام) قرن ها تابع حکومت عمان و مسقط بوده اما عملاً امپراطوری ایران به هنگام قدرت بر مسندام و دیگر نقاط جنوبی خلیج فارس حاکمیت داشته است»

نویسنده ضمن تشریح وقایع گذشته منطقه در دوران باستان یا توجه به حفاریات باستانشناسی در «ام التار» (در نزدیکی ابوظبی) بوسیله دانمارکیها در دهه ۱۹۶۰ میلادی، قدمت حضارت و شکوفایی تجارت منطقه را در ارتباط و متأثر از بین النهرین و ایران (اشاره به آثار باقیمانده از قنواتی که بوسیله ایرانیها ایجاد شده و رونق شهری به نام جمشید گرد و در آن نواحی) به هزاره سوم پیش از میلاد می رساند. و ارتباط زنجیره ای بازرگانی را از بین النهرین به دیلمونی (بحرین) و سواحل متصل به ماگان (عمان و کار یا سواحل شمالی خلیج فارس - مکران) و «ملوخوا» (در دره سند) تشریح می نماید.

سپس نویسنده به حوادث قرن پانزدهم میلادی می پردازد و به دنبال آن حوادث قرن نوزدهم مورد بررسی قرار می گیرد و ذکر می کند که انگلیسها در اوایل قرن نوزدهم به دلیل راهزنیهای دریایی قبایل سرزمینهای متصل غائله وهابیها و همچنین وحشت آفرینی ناپلئون (که هدفش رسیدن به هند و اختلال در کار تجارت انگلیسها بود) به دخالت در منطقه پرداخته اند و در سالهای ۱۸۱۶ و ۱۸۱۹ میلادی طی حملاتی قبایل سرکش را وادار به تسلیم کردند. و در ژانویه ۱۸۲۰ میلادی میان آن قبایل (عموماً جراسم) و بریتانیا صلحی برقرار شد که به دنبال آن در سال ۱۸۵۳ میلادی در طی قراردادی هفت شیخ نشین سرزمینهای متصل (امارات متحده عربی فعلی) رسماً تحت الحما به انگلیس قرار گرفتند.

در فصل دهم کتاب، وضعیت جغرافیایی سرزمینهای متصل بیشتر شکافته می شود و به دنبال آن نویسنده به نتایج باستانشناسی منطقه ام التار و رد پای فنیقی ها در آن حوالی می پردازد.

آخرین فصل کتاب (فصل یازدهم) به متن سخنرانی لرد کرزن، در اجتماع شیوخ عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس اختصاص دارد که از حیث آشنایی با اهداف دولت انگلستان در خلیج فارس شایان توجه است.

پاورقی:

۱- لشکرکشی انگلیس به ایران نوشته گرنی داد و هجوم انگلیس به جنوب ایران نوشته: جی. بی. کلی.

۲ و ۳- صفحات ۱ و ۲ کتاب.

۴- در تعیین دقیق اماکن جغرافیایی فوق اختلاف نظر وجود دارد برای اطلاع بیشتر به:

کامیار عبیدی: «دیلمون، مکن [ماگان] و ملوخوا» باستانشناسی و تاریخ، شماره ۲ (۱۳۷۱)، ص ۳۷ - ۲۶

۲- خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هجدهم میلادی

نوشته: راجرز ام. سیوری و جی. بی. کلی.
ترجمه: حسن زنگنه. ناشر: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه (قم).
نوبت چاپ: اول، ۱۳۷۷. تیراژ: ۱۰۰۰. قیمت: ۷۰۰۰ ریال

کتاب با مقدمه مترجم و سه فصل دیگر به انضمام اعلام پایانی که به وسیله مترجم تهیه شده مشتمل بر ۲۱۹ صفحه است.

فصول سه گانه کتاب به قرار زیر است. فصل اول: خلیج فارس در دوران باستان. از راجرز ام. سیوری
فصل دوم: تاریخ خلیج فارس از سال ۶۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی. از همان نویسنده
فصل سوم: خلیج فارس در اواخر قرن ۱۸ میلادی. از جی. بی. کلی.

همانگونه که مترجم در مقدمه اشاره می کند. فصول اول و دوم از کتاب «کشورهای خلیج فارس» از انتشارات دانشگاه هاپکینز (۱۹۸۰ میلادی) اخذ شده و فصل سوم از کتاب «بریتانیا و خلیج فارس ۱۸۸۰ - ۱۷۹۵» از انتشارات دانشگاه آکسفورد (چاپ ۱۹۶۸ م) است. مترجم با علاقه به پژوهش در منابع خلیج فارس و در دسترس قراردادن حقایق از گذشته این منطقه به ترجمه این اثر همت گماشته و چنانکه خود اظهار می دارد با وجود اسناد و مدارک بسیار که در متون کلاسیک ایران (شاهنامه فردوسی و کرشاسب نامه اسدی طوسی) و متون غیر ایرانی وجود دارد، همواره افراد مغرض در جهت دستیابی به منابع بکر منطقه و تحت فرمان درآوردن این آبراه مهم، نقش ایران را در کشتی رانی و دادوستد دریایی واژگونه جلوه داده اند.

شایان ذکر است که اقدام این افراد همواره در راستای سیاست های پلید استعمارگرانه، استعمار انگلیس بوده که در این مورد نقش لرد کرزن، نمایانتر از دیگران است. البته در این میان کم نبوده اند غیرایرانیانی که با راستی در بازگو کردن نقش ایران دروغ نوریده اند که خود همواره بوسیله مغرضین مورد انتقاد و حمله قرار گرفته اند. نویسندگانی مانند: هادی حسن مؤلف: «کشتیرانی ایرانیان» و همچنین سیوری نویسنده کتاب حاضر.

در فصل اول کتاب سیوری به نقل از آرنولد ویلسون (مؤلف کتاب «خلیج فارس») نقل می کند هیچ دریای دیگری نیست که بیش از دریای نیم بسته، مشهور به خلیج فارس به گونه ای یکسان توجه زمین شناسان، باستان شناسان، مورخین، جغرافی نویسان، بازرگانان، سیاستمداران و دانش پژوهان مسائل استراتژیکی را به خود معطوف داشته باشد» همچنین مؤلف اشاره می کند که «موقعیت جغرافیایی خلیج فارس که راه اصلی تجارت بین اروپا، هند و خاور دور را هموار می سازد، اهمیت سیاسی و تجاری این آبراه را از روزگار باستان هویدا ساخته آن را به عنوان مسیر ارتباطی شرق و

غرب، حریف و رقیب دریای سرخ کرده است.»^۵ نویسنده با رد نظریه «کرزن» در اینکه ایرانیان از سده هشتم تا شانزدهم میلادی دریانوردی نداشته و اقوام مجاور آنها در سواحل جنوبی خلیج فارس با جرات و جسارت بیشتری به آن پرداخته اند به این ترتیب پاسخ می دهد که: لزوماً تسلط سیاسی بر خلیج فارس هرگز به معنای دراختیار داشتن قدرت تجاری آن نبوده و جالب اینکه ایرانیان در این زمان تجارت شکوفایی داشته اند. و در این باره باید حساب ایرانیان ساکن در فلات مرکزی و ساحل نشینان را جدا کرد.

نویسنده از هزاره پنجم ق.م. و در روزگار سومرواکد وضعیت کشتیرانی و تجارت در خلیج فارس را مورد بررسی قرار می دهد و در این وارتی نقش هخامنشیان، سلوکیان، پارتیان و ساسانیان در تجارت دریایی با مناطق هند - سیلان - چین - مصر و دریای سرخ را تشریح می کند.

در فصل دوم کتاب همانطور که بیشتر ذکر آن رفت تاریخ خلیج فارس از سال ۶۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی مورد توجه قرار می گیرد و آن زمانی است که پس از سقوط ساسانیان، مسلمانان (اعراب مهاجر و ایرانیان) در ایفای نقش پیشین می کوشند.

نویسنده اشاره می نماید که «در سال ۷۵۸ میلادی اعراب و ایرانیان طی حمله مشترکی «کانتون» در کشور چین را تسخیر می نمایند،^۶ و به نقل از مقدسی می گوید: سحار دروازه چین است و ایرانیان سروری آنجا را برعهده دارند و از طرفی قسمت (مهم) جمعیت عدن و جدّه را ایرانیان تشکیل می دهند که به زبان عربی تکلم می کنند اما زبان آنها در سحار (در عمان) زبان فارسی است. حتی در جدّه، ایرانیان، طبقه حاکمه را تشکیل داده و در کاخهای باشکوه زندگی می نمایند.^۸ هرچند فعالیت ایرانیان در اعراب مستحیل شده اما حیات واژگان فارسی دریایی که ریشه در فرهنگ قبل از اسلام آنها دارد، عیان و آشکار است که خود دلیل تلاشی دیرینه در امر دریانوردی است.

نویسنده علاوه بر پرداختن به مسئله تجارت، قیامهای سیاسی مردمان حوزه خلیج فارس را از نظر دور نداشته و به آنها نیز اشاره می کند، مانند: قیام زنگیان، قرمطیان و ... سپس بنادر جدیدی (دوره اسلامی) که جانشین بنادر کهن عهد باستان شده اند را نام برده و موقعیت آنها را بیان می کند. در مورد بندر سیراف می گوید «سیراف در خلال سالهای ۸۵۰ و ۱۰۰۰ میلادی که انبار کالا و مرکز بازرگانی هم برای کمالات هند، مالایا، چین و هم برای دریای سرخ و ساحل آفریقای شرقی بود، در اوج رونق و شکوفایی به سر می برد»^۹ که البته این مورد رد آشکاری برگرفته کرزن در مورد رگورد بازرگانی ایران در این دوران است که بیشتر به آن اشاره شد.

نویسنده در ادامه به موقعیت هرمز و سلطه پرتقالیه بر خلیج فارس در سالهای ۱۶۲۲ - ۱۵۰۵ میلادی می پردازد و به اصطکاک میان انگلیس و ایران از یک طرف و عثمانی از طرف دیگر اشاره می کند.

سپس سلطه هلندیها در فاصله ۱۷۰۰ - ۱۶۳۰ میلادی و انگلستان در قرن هجدهم بررسی می گردد.

فصل سوم: در مورد خلیج فارس در اواخر قرن ۱۸ میلادی، نوشته: جی. بی. کلی. است که خودبین سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۵۵ میلادی پژوهشگر ارشد بخش مطالعات مربوط به کشورهای مشترک - المنافع در دانشگاه آکسفورد بوده و به منابع دست اول از جمله مکاتبات «ایندیا آفیس»، آرشيو وزارت امور خارجه و اداره دریاداری و ... دسترس داشته و به آن را عنوان رساله دکتر ارائه نموده است. نویسنده با ذکر پیشینه سلطه استعمارگران اروپایی بر خلیج فارس می نویسد «بعد از سقوط خلفای عباسی تنها دو کشور می توانستند قدرت خود را در این آبراه [خلیج فارس] گسترش دهند که هر دو از نیروی دریای برخوردار بودند پادشاهی پرتقال در قرن شانزدهم و امپراطوری بریتانیا در قرن نوزدهم»^{۱۰}

سیوری می افزاید که تسلط پرتقالیه بر خلیج فارس از روی سنجیدگی و با اندیشه صورت گرفت که در جهت تسلط بر راههای دریایی چون خلیج فارس، دریای سرخ و تنگه مالاکا این سنگاپور و اندونزی بود در صورتی که تسلط انگلیسی ها بر خلیج فارس به گونه ای اتفاقی و سنجیده بود و [آنها] بیشتر ماجراجویانی بودند که در پی تجارت و جستجوی پول و ثروت خود را به این آبراه رسانیدند و تنها بعد از دو قرن بخاطر حفظ و حراست از مستملکات خود در هند مجبور شدند که سلطه شان را بر خلیج فارس اعمال کنند.

با تشریح این مسئله نویسنده به مناطق و نواحی مهم حوزه خلیج فارس چون: عمان، ظفار، شارجه، ابوظبی، قطر و ... از لحاظ جغرافیایی و ساختار قبیله ای اعراب ساکن در آن می پردازد سپس از فرقه اباضیه (از فرقه های خوارج)، اعراب کمب، وضعیت ایران و بوشهر سخن به میان می آورد و وضعیت جغرافیایی، سیاسی و تجاری آنها را بررسی می کند.

پاورقی ها:

- ۱- کتاب حاضر، ص ۳.
- ۲- رونق بندر سیراف «بندر طاهر فعلی» در قرن سوم و چهارم هجری / نهم و دهم میلادی که در مایون دانش با هند - سیلان چین و آفریقا مرابده بازرگانی داشته اند. همچنین بنادر سینیز، نجیرم، مهرובان ... در حاشیه خلیج فارس.
- ۳- در منابع چینی از ایرانیان به نامهای پوسی POSSE، پوسو PO-SSU و پوسه PO-SE یاد شده است. [که قریب به یقین از «پارس» و «پارسی» مشتق شده اند]. ص ۳۱ کتاب
- ۴- همچنین اشاره شد که ایرانیان نه تنها تجاری عمده و دولت مند در عمان و یمن بودند بلکه در کالیکوت واقع در مالابار در بنگال واقع در ساحل بنگال، در کامبای و در منتهای شرقی مالاکا (جزایر اندونزی) نیز محلاتی بنیاد نهادند و خیلی جاها در شرق آفریقا نه فقط محلاتی تاجرنشین به وجود آوردند. بلکه بر آنجا تسلط هم یافتند: مانند: پمبا، زنگبار، براوا، مگادیشو و ... ص ۳۳ همین کتاب.
- ۵- ص ۲۵ همین کتاب
- ۶- ص ۵۸ همین کتاب. این اظهار نظر نشان دهنده ضعف اطلاع نویسنده از تاریخ خلیج فارس است زیرا علاوه بر آنکه حکومت های ایرانی همواره بر خلیج فارس حکومت کرده اند پرتقالیه محلی ایرانی مانند بنی قیصر و ملوک هرمز نیز دهها سال بر تمامی خلیج فارس فرمان رانده اند.